



۵۰۵

بررسی سازمان «پیکار در راه آزادی طبقه کارگر»

...وقتی مائو پیامبرد روغین آنها شد!



محکوم کرده و هرگونه همکاری با آن را مردود دانست. جنگ ایران و عراق را نیز به عنوان تاکتیک انحرافی محکوم می‌کرد. مواضع انتقادی‌میز و دیدگاه‌های جزم‌اندیشانه پیکار در قبال احزاب چپ و جمهوری اسلامی، به تدریج آن را در یک نزاع ایدئولوژیکی جدید بین کادر قدیمی و رقبای جوان‌تر آن فرو

این سازمان یک گروه کوچک چپ و معتقد به مشی چریکی است که نطفه اصلی آن در داخل سازمان مجاهدین خلق تشکیل شده و به تدریج با رشد و گسترش دیدگاه‌های کمونیستی در درون آن، به یک کودتای درون‌سازمانی دست زد و ایدئولوژی مجاهدین را از اسلام به مارکسیسم - لنینیسم تغییر داد.

در فاصله بین سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ گروه‌های متعددی از بدنه مجاهدین مارکسیست انشعاب پیدا کردند که از جمله آنان سازمان «پیکار در راه آزادی طبقه کارگر» بود که در مهر ماه ۱۳۵۷ موجودیت خود را اعلام کرد. از رهبران سرشناس پیکار که در کمیته مرکزی مجاهدین نیز عضویت داشتند، می‌توان به حسن روحانی و تراب حق‌شناس اشاره کرد. «پیکار» بیشتر از میان دانش‌آموزان و دانشجویان طبقات متوسط به پایین و طبقه کارگر، که ریشه در نواحی شهری مانند تهران، شیراز، اهواز، تبریز، خرمشهر، اصفهان و کرج داشتند، عضوگیری می‌کرد.

سازمان پیکار از همان ابتدا به تفسیر مائوئیستی از تضاد طبقاتی معتقد شد و شوروی را به عنوان یک کشور «سوسیال امپریالیسم» شناخت. این سازمان دیدگاه‌های جزم‌اندیشانه و دگماتیستی شدیدی از خود نشان داد، شاید به این دلیل که بتواند جایگاهی در جنبش کمونیستی برای خود پیدا کند، اما دقیقاً به این دلیل، از سوی بسیاری از سازمان‌ها و گروه‌های معتقد به مبارزه مسلحانه مورد انتقاد قرار گرفت. پیکار معتقد بود که همه احزاب انقلابی مورد حمایت یا وابسته به اتحاد جماهیر شوروی (برای مثال حزب توده ایران، حزب کمونیست فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، و غیره) هستند و یا به اردوگاه بورژوازی و ضد انقلاب تعلق دارند. از این رو کشورهای وابسته یا حامی شوروی همچون کشورهای انقلابی اروپای شرقی، کوبا، انگولا، ویتنام و کامبوج مورد حمایت و دفاع سازمان نیستند. پیکار با بهره‌گیری از تجارب بیش از یک دهه مبارزه مسلحانه، به این نتیجه رسیده بود که مشی چریکی به دلیل خصلت خرده بورژوازی آن از توده‌ها جدا شده و مستحق انتقاد است. این سازمان، نه تنها به محض پیروزی انقلاب برخلاف برخی از احزاب چپ، حالت انتظار توأم با نقد را در پیش نگرفت، بلکه حکومت جمهوری اسلامی را به عنوان یک نظام اجتماعی

● این سازمان، نه تنها به محض پیروزی انقلاب برخلاف برخی از احزاب چپ، حالت انتظار توأم با نقد را در پیش نگرفت، بلکه حکومت جمهوری اسلامی را به عنوان یک نظام اجتماعی محکوم کرده و هرگونه همکاری با آن را مردود دانست. جنگ ایران و عراق را نیز به عنوان تاکتیک انحرافی محکوم می‌کرد.

برد و از این طریق ضربات مهلکی بر پیکار آن وارد شد. متعاقب منازعات ایدئولوژیکی درون‌سازمانی، ضربه مهلک دیگری از جانب جمهوری اسلامی بر آن وارد شد که رسماً فعالیت‌ها و دیدگاه‌های پیکار علیه جمهوری اسلامی را محکوم کرد و از اعضای سازمان خواست اسلحه‌های خود را بر زمین بگذارند. به این ترتیب بازماندگان پیکار، از سال ۱۳۶۰ به بعد، فعالیت‌های آشکار خود را متوقف و به هسته‌های زیرزمینی کوچک تبدیل شدند و برخی از رهبران آن نیز از کشور خارج شدند.

منابع:

۱. نوذر علاء الملکی، چپ نو در ایران، ترجمه حسن حضرتی.
۲. تحولات سیاسی، اجتماعی ایران ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷، مجتبی مقصدی، تهران، روزنه، ۱۳۸۰.
۳. ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، پرواند، آبراهامیان، تهران نشر نی، ۱۳۷۷.